



محسن رخصت طلب پژوهشگر تاریخ جنگ

بازخوانی حوادث و تحولات جنگ تحمیلی می بایست منجر به درس ها و تجربه های کاربردی برای امروز باشد. اساسا جنگ و حوادث بزرگ از عمل و عکس العمل دو جبهه شکل می گیرد و واکاوی یک جبهه، درس و روشنگری لازم را به دست نمی دهد. عملیات ها و تحولات دوران جنگ هشت ساله نتیجه نوعی ضرورت همراه با به کارگیری مجموعه ای از امکانات و برنامه ریزی و اقدامات مبتنی بر اهداف کوتاه یا بلندمدت بود. با توجه به سالگرد عملیات آزادسازی خونین شهر (عملیات بیت المقدس) ضمن مرور کلی بر حدود دو ماه از مقطع زمانی موردنظر از جنبه های راهبردی سعی می شود ضمن ثبت تجربیات (تلخ و شیرین) آن حادثه برای امروز و فردای خود آموزه های مفیدی را تبیین نماییم. آنچه در این نوشتار قرار است از پیروزی نسیی این عملیات مورد کنکاش و بررسی قرار بگیرد سه عنصر «سرعت» در آماده سازی، «دقت» در طراحی مانور و نیز جسارت در اجرای عملیات است.

ارزیابی تجربه پیروزی و بازپس گیری خرمشهر از دشمن یعنی و ضرورت الگو قرار دادن راهکارهای آن

# شکست خفت بار صدام در خرمشهر

#### ■ طراحی عملیات بیت المقدس

همزمان با طراحی و آماده سازی عملیات فتح المبین، گروهی از نیروهای اطلاعات نظامی سپاه تحت نظر شهید حسن باقری در محورهای مختلف منطقه عملیاتی بیت المقدس به شناسایی زمین، مواضع و نیروهای دشمن اقدام کردند.

یکی از محورهای مهمی که مورد توجه فرماندهان سپاه قرار گرفته بود، جناح شرقی دشمن، سمت رودخانه کارون بود. بدین منظور تیمی زنده از نیروهای اطلاعات عملیات در منطقه مستقر شدند و پس از مدت کوتاهی با اطمینان از عدم حضور دشمن در ساحل رودخانه کارون به آن سوی رودخانه رفته و در نهایت غافلگیری به ایجاد پایگاه تاکتیکی در میان نخلستان و درختزارها اقدام کردند و ضمن شناسایی منطقه، مطمئن ترین معابر نفوذ در میان مواضع دشمن و رسیدن به جاده آسفالت را بررسی و انتخاب کردند.

طراحی عملیات بیت المقدس یکی از شاهکارهای کم نظیر نظامی از نظر خلاقیت، سرعت در تصمیم گیری و جسارت در اجرای مانور محسوب می شود. حضور دشمن در منطقه عمومی عملیات بیت المقدس را می توان به انسانی تشبیه کرد که پااهی آن در جبهه دب جردان و رودخانه کرخه، دست های آن در رودخانه کارون و مرز ایران و عراق، قلب آن در وسط منطقه یعنی سه راهی حسینیه



قریب به ۴۰ سال از آزادسازی خرمشهر می گذرد. شاید کمتر کسی با دیدن منظره گمرک خرمشهر که تعداد زیادی کلاه آهنی و پوتین سربازانی که آن را از خود جدا ساخته تا راحت تر بتوانند به رود وحشی ا روند بزنند و از آن عبور نمایند، باور کند که بتوان روی این رود پلی نصب کرد و آن را در روز به زیر آب برد و در شب برای تردد و پشتیبانی از آن بهره برد. کشف این امر به معجزه دوربین های عکاسی k۷۲ هواپیماهای RF۴ تنهاچ ممکن شد که توسط گردان ۱۱ شناسایی تاکتیکی که عبارات -شجاع، تنرس، غیر مسلح- بر تارک آن می درخش، ممکن گردیده است. البته این همه ماجرا نیست. معجزه بزرگ تر اینکه با انهدام این پل توسط تیزپروازان نیروی هوایی ارتش در مرحله سوم عملیات بیت المقدس به تاریخ ۶۷/۲/۲۱ پودسپهنا خلبانان زنده یاد سرهنگ محمود اسکندری و ستوان یکم اکبر زمانی باعث می شود تا تنها راه پشتیبانی و عقب نشینی عراقی ها از بین برود و در ادامه با حاصسه آفرینی رزمندگان اسلام ضمن آزادسازی خرمشهر قریب به ۱۹ هزار نیروی عراقی اسیر شوند. پل پیروزی روایت عملکرد صحیح خلبانانی شجاع در کسری از ثانیه است. دو ماه پس از تصدی پست ریاست جمهوری صدام، وی در سپتامبر ۱۹۷۹ طی نشست جنبش عدم تعهد که در هاوانا برگزار شد در مقر محل اقامتش از وزیر خارجه ایران



تاریخ

در محور تپ امام حسین (ع) شهید حسین خرازی همراه نیروهای پیشتاژ خود به لبه خط پدافندی دشمن رسیده بود. لحظاتی بعد، یک گروه ۱۵ نفری از نیروهای عراقی درحالی که پیراهن خود را در دست گرفته بودند «دخیل الخمین» گویان خود را تسلیم رزمندگان تپب امام حسین(ع) کردند. در همان لحظه حسین خرازی فرمانده تپب آنها را روی زمین نشانند و با واسطه یک مترجم شرایط نیروها و فرماندهان ارتش عراق در داخل خرمشهر را جویا شد. اسرای مذکور گفتند: «احمد زیدان، فرمانده ارشد نیروهای عراقی در خرمشهر، روی مین رفته و کشته شده است (البته کشته شدن او شایعه بود. پیکر او را باقیق از اروندرود به بصره منتقل کردند و پس از مدتی هر دوپای او را ققط کردند.) سربازان عراقی مستقر در خرمشهر از هم گیسخته و بدون روحیه هستند. اغلب آنها آماده تسلیم شدن به نیروهای ایرانی هستند اما افسران استخبارات می گویند اگر تسلیم شوید بی شک نیروهای ایرانی شما را اعدام خواهند کرد.»

شهید خرازی با شنیدن این سخنان قرآن کوچکی که در جیب داشت، بیرون آورد و خطاب به سربازان عراقی گفت: «شما آزاد هستید. به سمت دوستان خود برگردید و به آنها بگویید این قرآن ضامن بین ما و شماست. اگر تسلیم شدید و بدون سلاح نزد ما آمدید در سلامت کامل هستید و ما به حکم اسلام با اسرای جنگی با مدارا رفتار می کنیم. اما اگر تسلیم نشدید و در شهر ماندید ما به شما حمله خواهیم کرد و همه شما کشته خواهید شد.» سپس قرآن را در اختیار یکی از سربازان عراقی قرار داد و همه آنها را از مسیری که آمده بودند نزد رفقایشان در خرمشهر فرستاد. کمتر از ۳۰ دقیقه بعد، از همان نقطه همهمه و صدای «الله اکبر» و «دخیل الخمین» سربازان به گوش رسید و در پی آن هزاران سرباز عراقی «الموت للصدام» گویان از خرمشهر خارج شدند. در این لحظه شهید خرازی به نیروهایش گفت: «سربازان اسیر عراقی را به سمت جاده آسفالت خرمشهر- اهواز هدایت کنید تا به سمت اهواز بروند.» سپس با قرارگاه مرکزی کربلا تماس گرفت و به فرماندهی قرارگاه گفت: «خرمشهر سقوط کرد و هزاران نفر از نیروهای عراقی در حال تسلیم شدن هستند فقط برای ما اتوبوس و کامیون اعزام کنید تا آنها به پشت جبهه منتقل شوند.»

لحظاتی بعد احمد کاظمی فرمانده تپب ۸ نجف اشرف از خطوط گردگیری در محدوده گمرک - خرمشهر با قرارگاه کربلا تماس گرفت و اعلام کرد «خرمشهر آزاد شد و نیروهای عراقی گروه گره خود را تسلیم رزمندگان می کنند»

زمانی که این دو پیام با فاصله کمی به قرارگاه کربلا اعلام شد، همه فرماندهان حاضر در قرارگاه در بهت و حیرت قرار گرفتند و هیچ کس تصور نمی کرد هزاران سرباز، رزجده دار، افسر که برای حداقل یک ماه جنگ و مقاومت همه گونه امکانات را در اختیار داشتند طی مدت چند ساعت ناگهان تسلیم شوند. در نتیجه حدود ۱۵ هزار نفر از نیروهای عراقی مستقر در خرمشهر، تسلیم رزمندگان اسلام شدند و شکست خفت باری نصیب صدام و حزب بعث شد.

ستون های خودرویی و واحدهای زرهی نیز به سمت پل ها حرکت خود را آغاز کردند. مقرر شده بود نیروهای رزمنده بدون درگیر شدن با نیروهای عراقی از میان مواضع دشمن عبور کرده و خود را به پشت دشمن و حتی المقدور جاده آسفالت اهواز- خرمشهر برسانند.

نیروهای خودی در مرحله اول عملیات به مدت شش روز تلاش کردند در محورهای مختلف خصوصا در محور قرارگاه نصر اهداف خود را تثبیت کنند و یگان ها برای مرحله دوم عملیات خود را آماده کنند.

مرحله دوم عملیات با هجوم چهار قرارگاه عملیاتی فجر، قدس، فتح و نصر در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ آغاز شد. با انجام دو مرحله از عملیات بیت المقدس بخش عمده ای از سرزمین و اهداف عملیات تأمین شد اما اینکه ادامه عملیات به سمت خرمشهر یا در شرق بصره به سمت شط العرب و بصره باشد، مورد تردید قرار گرفت.

فرماندهان ارتش و سپاه طی جلسات متعدد به بررسی و ارزیابی توان خودی و دشمن و راه های دستیابی به هر یک از اهداف مذکور و نیز موقعیت زمین و استحکامات اقدام کردند و در نهایت به دلیل کمبود نیروی رزمنده تصمیم گرفته شد عملیات با هدف آزادسازی خرمشهر ادامه یابد.

مرحله سوم عملیات بیت المقدس در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ آغاز شد و نیروهای خودی با تصرف مواضع و استحکامات جدید دشمن و نزدیک شدن به خرمشهر خود را آماده مرحله چهارم عملیات کردند.

در این مرحله جبهه خودی به طور جدی با کمبود نیرو مواجه شده بود و توان رزم یگان های خودی کاهش یافته بود و نسبت نیروهای ایرانی و عراقی به حدود ۱ به ۵ به نفع نیروهای دشمن رسیده بود. علت این امر بسبج و تمرکز یگان های دشمن از همه نقاط در شرق بصره و در خرمشهر بود و صدام حسین مصمم بود تحت هر شرایطی خرمشهر را برای خود حفظ کند و عملا اگر خرمشهر آزاد نمی شد نتایج سه مرحله عملیات بیت المقدس برای ایران بیهوده انگاشته می شد.

بنابراین مرحله چهارم عملیات بیت المقدس در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۶۱ با سازماندهی مجدد یگان ها و قرارگاه ها با مأموریت هایی آغاز شد. در مرحله چهارم عملیات بیت المقدس ضمن اینکه همه یگان ها و رزمندگان و فرماندهان ارتش و سپاه در نهایت شجاعت و ایثار وارد صحنه نبرد شدند اما در سه رسه قرارگاه برخی یگان ها به دلیل قرار گرفتن در نقطه ای حیاتی و بسیار حساس نبردی سرنوشت ساز و بسیار شجاعانه را از خود به نمایش گذاشتند.

#### ■ اولین نشانه های پیروزی

حرکت دورانی رزمندگان اسلام پس از عبور از رودخانه کارون و تصرف جاده آسفالت اهواز- خرمشهر و تأمین مرز بین المللی -سپس گردش به چپ- کردن و پیشروی به سمت خرمشهر عملا باعث شد رزمندگان اسلام بدون مواجه شدن با سد آهنبین مواضع و استحکامات ایجاد شده در شمال خرمشهر توسط دشمن با عمق ۱۶ کیلومتر در مسیری قرار بگیرند که هیچ گونه مانع و استحکاماتی مقابل آنها نباشد.

بزرگ موردنظر فرماندهان سپاه حدود ۱۵۰ کیلومتر مربع بود. در ادامه گفت وگوهای بین به وسعت ۱۰ کیلومتر مربع را تصرف کنیم وبعد یگان ها و تجهیزات خود را به آن منطقه (سرپل) منتقل کنیم سپس گام دوم را برای رسیدن به جاده آسفالت اهواز- خرمشهر برداریم. اشکال فرماندهان سپاه به این طرح این بود که اگر ما از رودخانه عبور کنیم و آن سوی رودخانه مستقر شویم قطعا با هویشاری صد درصدی دشمن مواجه می شویم و آنها به تاکتیک اصلی عملیات پی خواهند برد در این صورت با همه توان در همین نقطه به مقابله با ما خواهند پرداخت و معلوم نیست ما بتوانیم اهداف عملیات را تأمین کنیم. ضمن اینکه در سر پل کوچک به دلیل محدودیت زمین، آسیب پذیری نیروها در برابر آتش های تویخانه و هوایی دشمن زیاد است و با فشار زیاد هر لحظه امکان بیرون راندن ما از سر پل به آن سوی رودخانه کارون وجود دارد. اما فرماندهان سپاه معتقد بودند ما باید در یک گام با عبور از رودخانه و گرفتن سرپل بزرگ خود را به جاده آسفالت برسانیم و دشمن را در برابر یک عمل انجام شده قرار دهیم. در سرپل بزرگ ما به سرعت یگان های خود را به منطقه منتقل می کنیم و ضمن اینکه نسبت به آتش های دشمن آسیب پذیری کمتر داریم می توانیم در غفلت اولیه دشمن بخش بزرگی از اهداف خود را تأمین کنیم. وسعت سرپل

یگان های آنها را در گیر نگه دارند تا قرارگاه های نصر و فتح بر اهداف خود کاملا تسلط یابند. در گام دوم به سمت مرز رفته و منطقه را تأمین کنند. در این مرحله متناسب با شرایط، تصمیم گیری شود که عملیات با تعقیب متجاوز در خاک عراق و به سمت شط العرب ادامه یابد یا عملیات آزادسازی خرمشهر انجام شود. در طراحی عملیات به منظور تجزیه قوای دشمن عملیات فریب و پشتیبانی در منطقه فکه پیش بینی شد. این عملیات به قرارگاه فجر واکذاز شد و مقرر شد منطقه ای استراتژیک را در آن ناحیه تصرف کنند. همزمان با بحث و گفت وگو برای شناسایی و طراحی عملیات توسط فرماندهان نیروی زمینی ارتش و سپاه، فرماندهان ارتش عراق در یک تلاش گسترده درصدد استقرار یگان های خود در منطقه و تقویت خطوط دفاعی و مهمیز را به دنبال کشف تاکتیک و مانور نیروهای ایران برای آزادسازی خرمشهر هستند. پروازهای مکرر هواپیماهای شناسایی برای یافتن فعالیت های عمده و نیز بمباران هرگونه تجمع و تحرک نیروهای ایران رو به افزایش بود. اسناد و گزارش های به دست آمده نشان دهنده برگزاری جلسات مکرر فرماندهان ارتش عراق با حضور صدام حسین به منظور کسب آمادگی مقابله با حمله رزمندگان اسلام است.

در طراحی عملیات نکات ریز و ظریفی وجود دارد که بیان آنها در این مقاله نمی گنجد.

نیروهای عراقی افتاده بود را دریافت کردیم.

با توجه به اینکه قرار بود اقلام و خودروهای وارداتی که در گمرک یو شده بود را بمباران کنیم لذا متناسب با چنین هدفی بمب آتش زای نایلم حمل و در یک دسته دو فروندی که لیدر آن من و شماره دو آن ستوان یکم محمدعلی اعظمی بود روی هدف قرار گرفتیم. پس از رها کردن بمب ها و حمله به هدف دقیق آنها به هدف با حسرت و ناراحتی آسمان گمرک و خرمشهر را ترک کردیم و تلخ ترین گزارش بعد از پرواز را نوشتمیم.

به یاد دارم یک بار دیگر ساختمان اداری چهار طبقه گمرک را که دشمن بر آن مسلط شده و از طریق آن شهر را پایش می کرد و با نصب جنگ افزار روی این ساختمان تا فواصل دور زیر آتش و دید خود قرار داده بود، به عنوان هدف در منطقه کمره تعیین شد. مجدداً در یک دسته دو فروندی با نصب شش عدد بمب ۵۰۰ پوندی تأخیری ضد استحکامات (مجموعاً ۱۵مب) که شهید عباس دوران و حیدری ها شماره دو و هم بال من در این پرواز بودند از مبدأ پایگاه ششم شکاری بوشهر به سمت هدف پرواز کردیم.

وقتی به روی ساختمان مذکور رسیدیم باز همان حالت به سراغم آمد، گویی که خانه خود را هدف قرار می دادیم! به یاد دارم که برقی ها دقیق به ساختمان اصابت کرد و آن را از حالت عملیاتی و فعال خارج کرد. فراموش نمی کنم در گزارش بعد از پرواز به دقت اصابت و ورود بمب به داخل ساختمان با وجود پنجره های آن اشاره کردم.

با وجود ۷۴ سورتی پرواز پشتیبانی زمی در داخل و انجام ۱۱۹ سورتی پرواز زمی توسط نیروی هوایی علیه اهدافی در عمق خاک عراق و همچنین مناطق تحت اشغال نیروهای عراقی لکن خرمشهر در ساعت ۱۶:۳۰ روز چهارم آبان ۱۳۵۹ به تصرف نیروهای عراقی در آمد.

اهواز- خرمشهر با خاكری های اطرافش. عراق

که قرار بود طبق طرح اولیه آنها ۳ روزه انجام شود، ۳۴ روز به طول انجامیده بود و این به لحاظ تاکتیکی به واقع نوعی شکست محسوب می شد چراکه نیروهای مدافع نه به لحاظ عده و نه به لحاظ تجهیزات قابل مقایسه با دشمن متجاوز نبودند و با ایثار و فداکاری و بذل جان بهای مقاومت شان را می پرداختند. عراقی ها جشن گرفتند که خرمشهر را محمره کرده ایم! و روی دیوارهای شهر هم نوشتند «جنتی لنبقا» یعنی «آدمیه ها که بمانیم» و از خرمشهر به بصره خط اتوبوس بیت المقدس در تاریخ ۶۷/۲/۱۶ با نام مبارک



نمونه ای از تصویر هوایی از امکن حساس نظامی و سیاسی عراق که توسط خلبانان شجاع تهیه شده است

با علی بن ابی طالب که رمز آغاز عملیات بود، شروع شد و رزمندگان با هدایت قرارگاه های قدس، فتح و نصر در چهار مرحله خود را به دروازه های خرمشهر رساندند.

نیروی هوایی تحت عنوان عملیات شبیح سه با ۱۳۰ سورتی پرواز به بمباران مواضع دشمن، فتح و نصر در چهار مرحله بمب افکن اطراف شهر ایجاد کرده بودند. واحدهای مهندسی سپاه سوم ارتش بعث بیشتر خانه ها و ساختمان های شهر را خراب کرد، اطراف شهر میدان مین ساخت و درون شهر کانال های زیرزمینی زد. در عکس های هوایی بعد از اشغال جای گی سوم ساختمان های شهر خالی شده بود! خرمشهر به سنگری بزرگ تبدیل شده بود که یک طرفش اسکله بود و تأسیسات دریایی و طرف دیگرش جاده

سرهنگ خلبان محمود اسکندری

MKA۲ که از بوشهر به پایگاه امیدیه مأمور شده بودند از باند پایگاه برخاستند و با عبور از ساحل خلیج فارس و پشت سر گذشتن رود اروند پس از اقدام به رهاسازی باک های خارجی از هم جدا و به سوی اهدافشان عزیمت کردند.

لیدر دسته پرواز با گردش به راست در حالی که سرعت سنج هواپیما سرعت ۱۱۰۰ ناتیکال مایل یعنی سرعتی برابر با ۳۰۰ متر بر ثانیه را نشان می داد می رفت تا پلی ۴۰۰ متری را هدف قرار دهد.

با یک محاسبه کوتاه درمی یابیم که با چنین سرعتی یکبارک ثانیه فرصت برای خلبانان وجود داشت تا حین عبور از روی پل آن را هدف قرار دهند. اختلاف جانبی در مسیر حرکت به روی پل که حالا در ارتفاع بالا به خاطر عرض کم آن به مانند یک خط باریک دیده می شد، می توانست مأموریت را ناکام گذاشته و هواپیما و خلبانان گرانبهای را به ورطه نابودی بکشاند.

گویی که معجزه موسی (ع) روی نیل این بار به دستان محمود اسکندری و وار همیشگی اش اکبر زمانی به روی اروند تکرار شده بود که نه دودی بلکه پلی را می شاکفت

تا دشمنی را به ذلت بیندازد.

سرتاجم در میان انبوه طوفانی از شلیک های پدافند سپاه عراق پیرامون پل، خلبان محمود اسکندری و یار دیرینش در کسری از ثانیه معجزه کردند و عکس های هوایی از ثبت افتخاری دیگر برای نیروی هوایی خرمی داد.

با انهدام پل اروند و بسته شدن عقبه دشمن، قریب به ۱۹ هزار نفر از نیروهای گرفتار در محاصره که تنها راه ارتباطی شان را از دست داده بودند با پایان مرحله چهارم عملیات ای بیت المقدس موج موج خود را تسلیم و خرمشهر را تقدیم صاحبانش کردند.

سرهنگ خلبان محمود اسکندری از قهرمانان نبردهای هوایی که سابقه شرکت در عملیات هایی چون کمان ۹۹، H۳، انهدام پالایشگاه الدوره و برهم زدن کنفرانس جنبش عدم تعهد در بغداد را در کارنامه درخشانش داشت، مرد این میدان شد. حضور ستوان یکم آبر زمانی که در مأموریت های متعددی از جمله انهدام پالایشگاه الدوره در بغداد او را همراهی کرده بود، ترکیبی با ایهت و امید بخش به این مأموریت داده بود. سرتاجم در ساعت ۱۰ صبح ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۱ درمرحله سوم عملیات آزادسازی خرمشهر سه فروند هواپیما F۴E مجزه به بمب های ۵۰۰ پوندی